



گزیده‌ای از کتاب

مبانی نظری تزکیه و تعلیم و آموزه‌های دینی و وحیانی

اصغر امینی

دین باستان روم، نمودی از توت‌پرستی و جان‌پرستی بدوی بوده است مانند اعتقاد به گیاهان مقدس، حیوانات مقدس و از این قبیل، ولی یونان از تفکر متفاوتی برخوردار بود.

تفکرات فلسفی در یونان رشد کرد و فیلسوفانی در فرهنگ یونان باستان اثرگذار بوده‌اند که ما به چند نمونه آنان اشاره می‌کنیم:

هراکلیتوس، که تفسیرش از جهان این‌گونه بود: جهان را به مانند رودی به ظاهر راکد تعبیر می‌کرد که هر لحظه در حال تغییر است. به همین جهت چون انسان را جزئی از طبیعت می‌دانست، او را هر لحظه در حال تغییر تصور می‌کرد. دومین دکترین ایشان، درباره کشمکش اعداد در جهان است. و یا اینکه جهان براساس تضاد، به وجود آمده است. این فرضیه منسوب به دیمقراطیس است. مرحوم علامه طباطبایی در کتاب‌های نه‌ایة‌الحکمة و بدایة‌الحکمة و شهید مطهری در کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم و در جلد ۷ مجموعه آثار (فلسفه، نجات، الهیات، شفاء ابن‌سینا) به نقد علمی آن به‌طور مبسوط اهتمام ورزیده‌اند.

۲. **دوره دوم، قرون وسطا:** از قرن چهارم میلادی (۳۱۲) دین مسیحیت، دین رسمی امپراتور روم (ملقب به

برای شناخت ظهور علم و فناوری (تکنولوژی) در جهان غرب لازم است گذشته دوران‌های تاریخی آن شناخته شود

دوران زندگی سیاسی اجتماعی و جامعه‌شناختی غرب را به‌طور اجمال می‌توان به چند دوره متمایز تقسیم نمود: **۱. دوره اول (قبل از قرون وسطا)** که به دوران باستان شهرت دارد و در اروپا دو نوع زندگی و فرهنگ عمده وجود داشته است:

الف) روم باستان: اوایل این دوره نوع حکومت بدوی و عقاید مردم کاملاً ابتدایی بود و چندین نوع خدا را برای خود برگزیده بودند.

ب) یونان باستان: در تفکرات یونان، پس از یک دوره از اعتقادات ابتدایی مردم به خدایان اولیه یونان (تایتان‌ها) و اینکه به زعم آنان، این خدایان به‌دست خدایان دوازده‌گانه مشهور به ال‌مپ‌نشینان سقوط کرده‌اند، نگرش جدیدی در یونان شکل گرفت. خدایان دوازده‌گانه به نوعی با یکدیگر قرابت داشتند: زئوس فرزند کروئوس، فرمانروای آسمان و باران و ماجرای عشقی هرا و زئوس، ارس پسر زئوس و هرا، خدای جنگ و بسیار خون‌خوار و خواهرش اریس الهه نزع و کشمکش، آینا الهه باکره دختر زئوس، که برای او مادری تصور نمی‌شد و از پیشانی زئوس خارج شده بود.



قسطنطین) شد (تاریخ جامع ادیان: ۵۶۱) و از قرن پنجم دین رسمی مردم اعلام گردید (البته با تغییرات نگرشی در مبانی مسیحیت که جای بحث آن نیست) و یک دوره حدوداً هزارساله (قرون وسطا) با نام حکومت دینی مسیحیت رقم خورد. در این دوره علم و تفکر و اندیشیدن مغایر کلیسا و ممنوع اعلام گردید. در این دوره طولانی، به نقل از تاریخ متعلق به خودشان بیش از سیصد هزار قربانی به اشکال گوناگون داشته‌اند و بیش از سی هزار نفر زنده‌زنده سوزانده شده‌اند (فرهنگ اسلام در اروپا: ۲۶۷).

در این دوران، بهشت و جهنم به وسیله کشیشان خرید و فروش می‌شد. محکمه‌های تفتیش عقاید، سیاه‌ترین دوران تاریخ بشریت را گذراند و این جنایات به بیرون مرزهای اروپا کشانده شد و از اواخر قرن یازدهم (۱۰۹۹) تا قرن سیزده، قریب به دوست سال، جنگ با مسلمانان به نام جنگ‌های صلیبی در هشت دوره، به راه انداختند و اولین فرمانده صلیبی هارابی به نام پطرس از اهالی فرانسه این جنگ را آغاز نمود.

جرجی زیدان مورخ مشهور مسیحی می‌گوید: صلیبیان فقط در حمله به شام و فلسطین، سه میلیون جلد کتاب [دست‌نوشته] را آتش زدند (خدمات متقابل اسلام و ایران: ص ۲۸۴).

مشابه همین جنایت (کتاب‌سوزی) مسیحیان در فاجعه اندلس و قتل عام مسلمانان، هشتاد هزار جلد کتاب [دست‌نوشته] را به آتش کشیدند (همان). از محققان معاصر مانند دکتر ولایتی در کتاب یویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران (جلد ۳: ص ۲۵ تا ۶۸) مطالب موجز و محققانه‌ای در این خصوص بیان شده است.

دوره حکومت کلیسای تا قرن پانزدهم به طول کشید. در این دوره تحولی در تفکرات دوران کلیسا ایجاد شد و لوتر که خود کشیش نواندیش بود، تفکر پروتستان را پایه‌گذاری کرد و این تفکر در به‌وجود آمدن دوره‌ای جدید به نام رنسانس بسیار تأثیر داشت، زیرا قیامی در مقابل حکومت کلیسا ایجاد گردید و با کشته شدن لویی چهاردهم (در سال ۱۷۱۵) عملاً حکومت کلیسای از همه اروپا برچیده شد.

۳) دوره سوم، رنسانس (نوزایی یا تجدید حیات): برای این دوره بحث‌های گوناگون، از جمله شکل‌گیری مدرنیته در درون رنسانس مطرح است. برخی معتقدند قرن‌های پایانی قرون وسطا پایه‌های عصر

مدرنیته گذاشته شد، برخی پایه‌های اصلی رنسانس را به یونان باستان مرتبط می‌دانند، که نظر غالب است. برخی عصر مدرنیته را مجزاً از رنسانس تحلیل می‌کنند.

برخی دوره مدرنیته را به سه دوره تقسیم کرده و درباره آن بحث‌ها کرده‌اند:

۱. پیدایش و تولد

۲. دوره رشد و بسط مدرنیته (دوره پیدایی علم به مفهوم جدید: Science) که انقلاب‌های بزرگ سیاسی، اجتماعی، اومانیستی در کشورهای فرانسه، انگلیس و آمریکا، همچنین انقلاب صنعتی، پیدایش اندیشه لیبرالیسم کلاسیک - سوسیالیستی، جنبش‌های ناسیونالیستی و... به وقوع می‌پیوندند.

۳. دوره سوم مدرنیته، دوران بحران ذاتی و تمامیت عصر مدرنیته با بحران‌های اقتصادی است که به نیمه دوم قرن نوزدهم برمی‌گردد و در واقع پایان مدرنیته و پیدایش بحران‌های ذاتی آن است و با حاکمیت سرمایه‌داری انحصاری (امپریالیسم) جنگ‌های بین‌المللی اول و دوم به وقوع می‌پیوندند و دولت‌های خشن سوسیالیستی و بحران‌های متعدد اقتصادی ظهور می‌کنند، که در حقیقت بیان‌کننده بحران مدرنیته و رویکرد انتقادی به مبانی نظری و روح اومانیستی (انسان‌مدارانه) تمدن غربی است.

رنسانس واقعی یا دروغی بزرگ؟

همان‌گونه که از مفهوم رنسانس تجدید و بازگشت به تمدن گذشته برداشت می‌شود، غرب مدعی است که این تمدن، بازگشتش به تمدن قبل از قرون وسطا در غرب (یونان باستان و یا روم باستان) است. با توجه به اینکه تمدن ادعایی غرب، شاکله‌اش بر محور علم و تکنولوژی و صنعت بنا شده، آیا در گذشته غرب (قبل از قرون وسطا) در روم یا یونان باستان، تمدنی بوده است که بتواند پایه‌های تمدن جدید غرب را بسازد؟

برتراند راسل، فیلسوف بزرگ غرب، که در تفکرات ضددینی شهرت دارد، می‌گوید: فرهنگ ممتاز دنیای اسلام گرچه در سوریه جوانه زد، به زودی در دو انتهای شرقی و غربی آن یعنی ایران و اسپانیا (اندلس) شکوفه داد. در دوره‌ای که در روم، درباره مسائل بسیار ابتدایی ساعت‌ها وقت تلف می‌شد که مثلاً سر یک سوزن چند فرشته وجود دارد، در کشورهای اسلامی، الکل کشف

جرجی زیدان
مورخ مشهور
مسیحی می‌گوید:
صلیبیان فقط
در حمله به شام
و فلسطین، سه
میلیون جلد کتاب
[دست‌نوشته] را
آتش زدند



شده بود و از یکی از معتبرترین کتاب‌های پزشکی به نام شرح کتاب کتاش منصوری (نوشته زکریای رازی) استفاده می‌شد، که بعدها در اروپا به‌عنوان اولین کتاب پزشکی به چاپ رسید و در دانشگاه‌های غرب مورد استفاده قرار گرفت (فرهنگ اسلام در اروپا).

پایه‌گذار علم شیمی جابرین حیان است. وی حتی ذوب فلزات را با روشی ساده که متداول بود به کمک اسیدنیتریک، اسیدسولفوریک... انجام می‌داد (همان: ۳۳۵).

پرفسور سزگین پژوهشگر تمدن اسلامی، رنسانس را دروغی دانسته است که اروپائیان به مسلمانان تحویل داده‌اند و آن‌ها نیز (متأسفانه) به سادگی [این دروغ را] پذیرفته‌اند و در ادامه می‌گویند: جهان مسیحیت از همان آغاز، با احساسات دشمنی و عداوت، به فراگیری دانش از مسلمانان پرداخت و این احساس بدون تردید عامل اصلی حذف نام بسیاری از نویسندگان مسلمان یا انتساب آثار آنان به دیگران است. برای مثال، بیست‌وپنج اثر عربی در موضوع پزشکی در نیمه دوم قرن یازدهم میلادی به زبان لاتین ترجمه شده که همگی به دیگران (غربیان) نسبت داده شده است.

خانم زیگرید هونکه می‌گوید:

دانش یونان و روم باستان برای پی‌ریزی تمدنی وسیع و شگرف (علمی و تکنولوژی)، که دست کم هزار سال (دوره قرون وسطا) عقب‌ماندگی را تجربه کرده بود، کافی نبود. از این‌رو، آثار دانشمندان مسلمان در علوم گوناگون مانند ابوریحان، ابوعلی سینا، زکریای رازی، خوارزمی، خیام، ابن نفیس، ابن رشد عربی طائی (اندلسی)، پسران موسی شاکر خراسانی و... ترجمه گردید.

زیگرید هونکه در جای دیگر می‌گوید: این ابن سیناست که بزرگ‌ترین معلم پزشکی اروپائیان در طول هفتصد سال است (همان: ۲۹۳).

گوستاو لوبون می‌گوید: بعضی‌ها [اروپائیان] عار دارند که اقرار کنند [مسلمانان] سبب شده، اروپای مسیحی از حال توحش و جهالت خارج گردد و لذا آن را مکتوم می‌دارند... نفوذ اخلاقی همین اعراب زائیده اسلام، آن اقوام وحشی اروپا را، که سلطنت روم را زیر و رو کرد، داخل در طریق آدمیت نمود و نیز نفوذ عقلانی آنان دروازه علوم و فنون و فلسفه را، که از آن به کلی بی‌خبر بودند، به روی آن‌ها باز کرد و تا ششصد سال استاد ما اروپائیان بودند (تمدن اسلام و عرب: ۷۵۱).

ویل دورانت مورخ بزرگ غرب می‌گوید: پیدایش و اضمحلال تمدن اسلام از حوادث بزرگ تاریخ است. اسلام طی پنج قرن (از سال ۸۱ تا ۵۹۷ هجری قمری) از لحاظ نیرو و نظم و بسط قلمرو و اخلاق نیک، تکامل سطح زندگانی و قوانین منصفانه انسانی و تساهل دینی [احترام به عقاید و افکار دیگران] و ادبیات و تحقیق علمی و علوم و طب و فلسفه، پیشاهنگ جهان بود (تاریخ تمدن، ج ۱: ۳۱۷).

اگر بخواهیم سهم اندوخته‌های دانشمندان مسلمان را در پیشرفت علمی و تمدن صنعتی اروپا ارزیابی کنیم کافی است کتاب‌های موجود آنان را ورق بزنیم.

■ مجموعه «شفاء» ابن سینا: دو جلد آن مربوط به ریاضیات است. فقط کافی است رسم‌های هندسی آن را ورق بزنیم. شاید بتوان گفت کمتر رسم هندسی در قرن بیست‌ویکم یافت می‌شود که پایه و اساسش در آن کتاب نباشد یا کتاب قانون در طب، بیماری‌های ساده تا بیماری‌های لاعلاج امروزی را به‌صورت کامل، با نوع بیماری، علائم آن و شیوه و نسخه درمان آن ذکر کرده است.

■ المعجم البلدان نوشته یاقوت حموی: ایشان در (۶۲۶ هـ. ق) یعنی بیش از هشتصد سال پیش از دنیا رفته است. در این کتاب زمینه نقشه‌برداری و طول و عرض جغرافیایی برخی از شهرها از قول ابوریحان و بعضاً از خوارزمی ذکر شده است که با ابزار دقیق امروزی اختلاف آن‌ها ناچیز و قابل اغماض است.

قوة جاذبه زمین، قرن‌ها قبل از به دنیا آمدن اسحاق نیوتن، مطرح شده و آن‌قدر موضوع آن بین مسلمانان عادی شده بود که در اشعار مولانا جلال‌الدین (مولوی) هم آمده است.

■ ابوریحان بیرونی، حدود هزار سال قبل از البرت اینشتاین به اجرام بسیار ریزی از ذرات (به نام فوتون) معتقد بود و آن را با همان ویژگی‌های جسمی با نام «جزای لطیفه» مطرح کرده است.

■ المقابله خوارزمی که حاوی مباحث ریاضی کاربردی در زندگی است. غربیان برای محاسبه ریاضی از اعداد رومی استفاده می‌کردند که در آن، صفر وجود نداشت و برایشان بسیار مشکل‌زا شده بود تا اینکه با عدد صفر مسلمانان آشنا شدند و این آشنایی آن‌چنان تحولی در ریاضیات ایجاد کرد که صفر را مقدس می‌شمردند و درباره

پرفسور سزگین

پژوهشگر تمدن

اسلامی، رنسانس

را دروغی دانسته

است که اروپائیان

به مسلمانان تحویل

داده‌اند و آن‌ها

نیز (متأسفانه) به

سادگی [این دروغ

را] پذیرفته‌اند



خدمت بگیرد. [پس از شهادت او] دیری نیاید که معلمان دیگری از کشورهای فرانسه، ایتالیا و آلمان نیز به اتریشی‌ها ملحق شدند. لذا حضور این استادان با انتقال فرهنگ لائیک غرب به فرزندان ایران توأم شد و از حدود یکصد سال گذشته مرکزی گردید برای اینکه دانشگاه‌هایی به سبک نوین غرب ایجاد شوند.

البته قدمت دانشگاه به مفهوم جامع آن، در ایران به قبل از اسلام یعنی دانشگاه گندی‌شاپور (جندی‌شاپور) برمی‌گردد. غربیان محتوای علوم را سکولاریزه کردند ولی ماتئسفانه نتوانستیم یا به عبارت صحیح‌تر، نتوانستیم نسبت به اصلاح علوم بر مبنای تفکرات وحیانی، گامی جدی برداریم. برای مثال به‌طور اختصار به چند نکته در خصوص سند ملی تحول بنیادی آموزش و پرورش و مبانی نظری آن، اشاره می‌شود.

۱. یکی از موضوعات کلیدی و اصلی بحث، نوع نگاه به علم و علوم است. در هیچ جای سند تحول، به بحث پالایش علوم وارداتی توجه نشده است. حتی در هیچ جایی در سند، تعریف روشنی از علم نشده است.

۲. شعار هدف سند تحول در محور تربیت نوجوان برای رسیدن به «حیات طیبه» است. اما نکته مهم آن است که با کدام شیوه و ابزار می‌خواهیم در این مسیر به حیات طیبه نایل گردیم.

نمی‌توانیم شاکیه علوم پایه را بر مبنای ناتوالیسم غربی تدوین کنیم و انتظار معجزه از کتاب‌های جنبی دینی داشته باشیم، زیرا خاستگاه معرفت دینی در کتاب علوم پایه است نه در کتاب دینی.

۳. در سند جایی برای این بخش کلیدی یعنی «تغییر به واقع بنیادین در محتوای آموزشی، خصوصاً در علوم پایه» دیده نمی‌شود.

خلاصه اینکه در سند تحول هیچ نقشه راهی برای تغییر اساسی در مبانی و مفاهیم، تعریف‌ها، شاخص‌ها، اهداف، محتواهای آموزشی و راهکارهای عملیاتی دیده نمی‌شود.

پی‌نوشت

۱. در دو دهه گذشته از سوی کنگره آمریکا و با همکاری کشورهای انگلیس، فرانسه، ژاپن و آلمان، طرح نقشه‌برداری و تعیین توالی کل ژنوم انسان به مدت پانزده سال (از سال ۱۹۹۱) به تصویب رسید و به عهده انستیتوی بهداشت ملی آمریکا سپرده شد و هدف اصلی، تعیین نقشه دقیق ژنتیکی کروموزوم‌های انسان بود تا ژنوم اولیه حیات را بر مبنای تصادف به اثبات رسانند. پروفسور اریک لندر استاد زیست‌شناسی و مدیر بزرگ‌ترین پروژه تحقیقات سرطان در تاریخ جهان (موسوم به اطلس ژنوم سرطان) می‌گوید: ۹۵ درصد از ژنوم انسان همچنان ناشناخته است.

آن، شعرها سرودند، مانند: در صفر چیز مقدسی است که انتها و پایانی ندارد و خداوند، که او نیز مانند صفر نه کم می‌شود نه زیاد، همان‌طور که صفر (آسیموف ایزاک، عدد). جرجی زیدان می‌گوید: آن سلول حیاتی زنده‌ای که در جامعه اسلامی پدید آمد و رشد کرد و تکامل یافت و منجر به تمدن عظیمی شد، اعجاب و عشق و علاقه بی‌حد توجه مسلمین به قرآن بود (خدمات متقابل اسلام و ایران: ۳۹۱).

نکته مهم و قابل تأمل: غربیان، به دلیل همان عناد و دشمنی با اسلام، در ترجمه آثار مسلمانان، نوشته و محتوای کتاب‌های علمی آنان را به نام خود مصادره می‌کردند. در این زمینه ما به چند نمونه بسنده می‌کنیم:

■ کلیات ابن رشد به نام گلیگت اورتس

(Colliget von Averroes)

■ التیسیر ابن زهر، به نام اون زوار (Avenzoar) و دوبار پشت سر هم ترجمه شد (فرهنگ اسلام: ۳۰۷).

■ «شفاء العیون» نوشته «حنین» است. به نام اکولیس کنستانتین

■ کتاب درسی برای محصلین چشم پزشکی و کتاب جالب کنستانتین به نام فیتیکوم نیز همان کتاب «زادالمسافرین» نوشته «ابن الجزار» است.

غربیان محتوای اولیه علوم را از مسلمانان مصادره کردند و بخش اصلی علوم را به انحصار خود درآورده و بخشی را با همان رویکرد سکولاریزه آن، تحویل جهان سوم داده‌اند.

عوامل نفوذ تفکر سکولاریستی علوم در ایران

اولاً رفت‌وآمدهای بی‌هدف و صرفاً برای خوش‌گذرانی حاکمان ضعیف‌النفوس، خصوصاً در دوره قاجار.

ثانیاً نقش کلیدی و القائات روشنفکران غرب‌زده.

ثالثاً جدی نگرفتن این خطر بزرگ از سوی عامه بزرگان دینی، هرچند هر از گاهی شخصیت‌های بزرگی مانند آیت‌الله نائینی، آخوند خراسانی، سیدجمال‌الدین اسدآبادی، شیخ فضل‌الله نوری و... به این خطر توجه می‌کردند.

تاریخ رسمی ورود علوم نوین سکولاریستی به ایران

پایه‌گذار این آموزش امیرکبیر در دوره ناصرالدین شاه قاجار بود. او با نیت پیشرفت صنعت در کشور دارالفنون را تأسیس کرد (تاریخ آموزش فیزیک در ایران: ۴۵).

امیرکبیر با شناختی که از سیاست‌های انگلیس و فرانسه داشت، تلاش کرد استادانی از کشور اتریش به

